



شرق‌ها پدیدگر

تاملاتی درباره تاثیرپذیری هایدگر از تفکر آسیای شرقی

سماواتی و چای دیگر آمده‌گر آبه لاتنسه از شهرت گمشدی بر شور دارند نخست اینک به دست بهان می‌کند که هایدگر در نهمی به «رست یونگر» قسمت صدمی از ترجمه چنان اولن پروک» از بخش چهل و هفتم لاتنسه را مثل می‌کند. با این حال، او ذکر نمی‌کند که هایدگر در سطر چهارم نقل قول خود ترجمه اولن پروک را رها کرده و در آنجا آشکارا بر گردان خود را به دست می‌دهد. او به جای عبارت «چین راه آسمان» در ترجمه اولن پروک می‌نویسد «چین کل آسمان» اینگونه است که او واژه «راه» (dao) را حذف می‌کند. بنابراین این

مستقیم در همین حال اطلاعاتی درباره تماس‌های پدیداری که او با علم آسیای شرقی داشته به دست ما رسیده است. به این علاقه هایدگر و نیز تماس‌های او با تفکر آسیای شرقی آشکار شده است. علاوه بر این، پست استندگر می‌شود که هایدگر با قدیمه آسیای شرقی نیز آشنا بود. هایدگر، خود ترجمه ما را به این موضوع مستطوف می‌سازد تا آنجا که او در آنری که مرده «۵۰ منتشر شدند» درباره زبان آسیای شرقی، مفهوم «گاو» و «لاتنسه» سخن می‌گوید. همه این امور به قدر کافی معلوم هستند.

که می‌تواند از مدعیان نقد متافیزیک غرب و تذکر دهنده سنجی دیگر از تفکر است منشأ اثر بودن اندیشه آسیایی را بار دیگر نشان می‌دهد.

۱- ماه جنگ چوونگ-پوان، دیپلوماسی، ژانویه ۱۹۵۰، ص ۱۰۰. هاینریش ویگند پست» و به همان اندازه به تنی چند از معاصران هایدگر به دلیل اشکالات متعددی که به تعلق خاطر او به تفکر آسیای شرقی و به ویژه تئوتیسیم و فن بود، به دست آمده است.

راینهارد های اگر چه خود هایدگر، هیچ‌گاه به صراحت به بهره‌گیری از تفکرات آسیای شرقی اعتراف نکرده اما همواره این ظن وجود داشته است که او بسیاری از ایده‌های مهم خود را از این طریق به دست آورده و در منظومه فکری خود وارد کرده است. اهمیت این بررسی آنگاه رخ می‌نمایند که ما به این مسأله توجه کنیم که عموماً غربی‌ها برای اندیشه آسیایی جایگاه ویژه‌ای قائل نیستند. در این میان اثبات چنین تأثیرپذیری مهمی در اندیشه هایدگر

ترجمه ناهنجاری صورت اولی بر وی - هایدگری دارد. دوم آنکه نمونه مشابهی در نلمه هایدگر به حساب آید. به تاریخ ۱۹ اکتبر ۱۹۲۷ وجود دارد در اینجا هایدگر ترجمه هایدگر را به بخش پنزدهم لاتونسه را تفسیر می کند. ترجمه هایدگر چنین است: «چه کسی قادر است حکمت پیشه کند و به تدریج تیرگی هار و وضوح بخشد؟»

چه کسی می تواند آنچه را مستور است به جنبش فر آورد و به آرامی جانش دهد؟»

هایدگر، به تقاضای هایدگر، پیش تر، این مستور را برای او نگاشته بود.

من هر یک از این دو دستور را که در اصل است شکل از آن کلمه بود روی تکه کاغذی نگاشتم عبارت جرم (dao) آسمان را که در متن نبوده به منابه دستنویزی تزیینی در میان مستور نوشته ام از همه واژگان، تیبیتی، ریشه شناختی به دست داده ام به طوری که او بتواند همه چیز را به تفصیل دریابد اما ترجمه هایدگری این عبارت به نظر دیگر، عمیق تفکر او را نشان می دهد.

هایدگر در نلمه خود به هایدگر، خود ۲ ترجمه قابل ربه دست می دهد.

«چه کسی می تواند سکوت اختیار کند و به واسطه او از طریق این سکوت چیزی را در رو که آورد آن را به حرکت در آورد» به گونه ای که آشکار شود که در حالی که این ترجمه به وضوح محصول تشریح مساعی هایدگر و هایدگر است بر گردانی را که بلافاصله در ادامه این نلمه می آید نلمه به هایدگر می توان نسبت داد در دست نوشته او می خوانید: «کیست که می تواند با پیش گرفتن سکون و آرامش، چیزی را با وساحت و وجود بیوردی و آما آسمان»

۳ بخش دیگر از لاتونسه (۱۸، ۱۷ و ۱۶) که از آنها در این مکتبه سخن می رود و توسط هایدگر نگاشته شده است در باب آشنایی هایدگر با این متن بیشتر روشنتری می کند. هایدگر در عین حال این گفته را در خطابه خود در ارد فر هنگ و نیکولوژی، باز گو می کند هایدگر است که آدمی با تنگانی روز آمدن را فراتر، به امور کهن منبانه، پیگرده به عنوان مثال اگر در صدد پلنسیب از طریق بر همین سستی (توسمین) وجود شناختی، جهان شناختی و فایده شناختی وجود خنار آتیبین کنیم، او را انتقال می دهیم، کسی که فراتر است و همانند نیکولوژی (۱۸) به دست نماندنی، از تیبینی های پیشه اشارات بیشتری را می توان بهرون کشید از جمله این عبارت: «هادر گفتن گوئی ۱۹۵۰ با عنوان چهار گانه» به موضوع لاتونسه پرداختیم گفتن گوئی که در آن زنی جوان سهمی اساسی ایفا کرد. شاید همه مهاجران هر پانزده تنگانی فریاد، «گشتن» فهمیدند که می توانست به تفکر یادآورانه منجر شود چنین بود که برای - جاری از حاضرین در دلدل هایدگر، به مناسبتی بدل شد.

پسند سر لجامه توجه سا را به دو فلسفه آگاهی بخش دیگر مربوط به هایدگر جلب می کند نخست اینکه هایدگر در گفتن گوئی بار ارمی بودایی فعل پلنکوک در سال ۱۹۴۶ میسبان می خرد که او، خود دلف، به لاتونسه می پرداخته اما تنها از طریق واسطه های آلمانی، همچون ریچارد ویلیم یا آن آشنایان بوده است دوم اینکه دست گزارش می دهد که هایدگر پس از شنیدن این سخن راهب بودایی که هیچ چیز نیست بلکه پیکره له دیگری است بر وی کسی نمی تواند آن را بنماید. اما - هیچ چیز و همه چیز - انجام است. این عبارت را بیانی می دارد «این همان چیزی است که من در مراسم زندگی ام نگاشتم» (P. 18-19) هایدگر به وضوح امری مشابه به این را در یکی از کتاب های «دست سوزوکی» گفته است. بل دیگر او دست می آموزد که هایدگر ۱۹۲۰ یا نسخه آلمانی چوگنگ نسو (Chuang-tzu) - متنی که توسط هارتین بوره فر لغ (E. Hall) - متنی که توسط هارتین بوره فر لغ آمده بود - آشنایان بوده است این ترجمه کتابی کم حجم، متشکل از ۱۲۴ صفحه بوده و نخستین نسخه آلمانی از چوگنگ نسو است که در ۱۹۱۰ در لایپزیگ توسط انتشارات «پینزل» با عنوان «گفتارهای دستان های چوگنگ - تسه» به طبع رسید.

هایدگر، با نقل و تفسیر عبارتی تحت عنوان

«فلسفه مابعد»، به موضوعی خاص پاسخ می دهد: «۲۰ سال بعد هایدگر یک بار دیگر -»

او طبق گزارشی، در ۱۹۲۲ در دیدار چوگنگ نسو در فرایبورگ ترجمه آلمانی چوگنگ تسه را به مهمان خود نشان داد و برخی مسوالات را مطرح کرد و سپس درباره آنها به بحث پرداختند.

فر این مطالب آشکار می شود که هایدگر برای اندیشه آسیای شرقی و پیش از همه اندیشه های تائویی اعتبار قائل بود و آن را تصدیق می کرد البته از این امر معلوم است که اطلاعات مربوط به این ماجرا به طور ناظر در دسترس او بود و این نظریه بود که تودر سنه باشد اطلاعاتی را به سادگی از تیبیات آلمانی و انگلیسی گلچین کند. هایدگر در دوره زمانی، باغ بر - فصل، با همکاران آسیای شرقی دیدار داشته است و در جریان گفتگوهای خود با آنها، آشکارا با توجهی توأم با صبر به پاسخ های که آنها به پرسش های او می دادند گوش می داد پرسش های قدیم سده های که با دقت آنها را صورت بندی می کرد گزارش هایدگر، به طور خاص، این فرض را تأیید می کند.

در باره اینکه هایدگر تا چه اندازه با اندیشه های تائویی آشنا بوده است یا محسن و گمنام می توان سخن گفت و به همین دلیل ما این پرسش را در اینجا کنار می نهیم.

۱-۲- فعلا تفکر هایدگر، بر برخی مشکلاتی که بی اهمیت با اندیشه آسیای شرقی را نشان نمی دهد. یکی از تفکرات به این امر، باز دیگر از هایدگر است که کسی که چنین می نگارد «همه مطالبی که هایدگر [به زبان آورده است]، مغرب به شوه پکسل با مناسبتی در تفکر شرقی دور آمده است». در حالی که این قبیل ملاحظاتی به تدریج در اروپا موضوع اهتمام مطالعات مربوط به هایدگر قرار می گیرند به ندرت به بحث های گسترده تری را باعث می شوند.

نیز، هیچ واکنشی به این وقت تعجب آور که در ژاپن، تفکر هایدگر پیش از ۵۰ سال به تئوری فر اگری مورد پذیرش بوده، وجود نداشته است.

واقعیتی که می تواند و باید به عنوان نشانه ای مهم از رابطه هایدگر با اندیشه آسیای شرقی قلمداد شود در مقایسه با متون دست دومی که درباره هایدگر به نگارش در آمده است مطالعات فلسفه تطبیقی به زبان های غربی - اگر چه برخی اوقات کیفیت بالایی دارند - جایگه بسیار ناچیزی داشته اند. به عنوان شاهد می توان به کتاب «هایدگر و تفکر آلمانی» (۱۹۸۷) باویرسلسری «گروهام پارکس» اشاره کرد. هایدگر، خود به وجود چنین گوش های پسرای نشان دادن تطبیق و توفیق تفکری که بر مغرب یک غلبه می کند با دست فلسفی آسیای شرقی که به معنای غربی فاقد مغرب یک است. معترف است اما در حالی که از یک سو با نوعی شکمگرا می با تلاش هایی از این قبیل بر خورد می کند او نظری که «تو پوگر» نگاشته است «با سرعت نزد کسی که به دیدار او می آمدند به تزیینی تفکرش با است تائویی و تن بودیم امری افسی کرده.

۲-۲- اما ملاحظه در همه آنچه گفته شده طرح این پرسش معقول به نظر می رسد که آیا این مطالب تنها شباهت های آشکار، در فاهماری اتفاقی است یا اینکه اندیشه تسه توسط هایدگر پرورش یافته و از این رو، نمایانگر نتیجه پذیرش اندیشه آسیای شرقی از جانب او و تفحص آن با تفکر خودش است. نتیجه ای غیر قابل شناخت یا صراحتا گفته ای که هر صورت دیگر ممکن نیست پرسشی را که به دقت در باره تأثیر اندیشه آسیای شرقی بر هایدگر صورت بندی شده است. ناچنده گر فقه پوینر از زمانی که هایدگر متذکر شده است متشکل تر در ترجمه نلمه لاتونسه که به تقاضای خود هایدگر صورت گرفته بر وی تأثیراتی چند نگاشته است.

هایدگر تا حدودی در باره همگاری خود با هایدگر در سال ۱۹۴۶ در نوشته بسیار شبیه به

هم گزارش داده است اولین گزارش در سال ۱۹۲۷ یک سال پس از مرگ هایدگر منتشر شد که به طور قابل ملاحظه ای حیرت آنگیزان را بر انگیزد. او آنجا که گزارش هایدگر به سادگی در دسترس بوده و مشهور است در اینجا نیز به تکرار همه مطالب آن نیست. ۲ گزارش آشکار می کنند که همگاری آنها برای ترجمه هایدگر از لاتونسه «تائوئی» چند بر هایدگر نگاشته. گزارش دوم، به طور خاص برای کتاب «پوگر» در ۱۹۸۷ نگاشته شد. متأسفانه حتی اگر توجه خود را به بخش هایی از توم محدود کنیم آنها با حسی می توان گفت که آنها روی کفایت از این بخش ها کار کرده اند. آنها بعد از تابستان ۱۹۲۶ همگاری در این پروژه را از سر نگر فتند طبق گفته فیشر - هاینیکول، هایدگر در صدد بود با کمک هایدگر نسخه آلمانی لاتونسه را منتشر کند اما بعد از ترجمه هایدگر از راه هاگر در بر اساس گفته هایدگر گوش های آنها در ترجمه به طور کامل بر متن اصلی مبتنی بود که «چوگنگ» آن را و در پیش تفسیر کرده بود. هایدگر متن هیچ کدام از ترجمه های از مابعدی خود را در اختیار هایدگر قرار نداد و درباره اینکه آنها هنوز وجود داشته باشند تردید وجود دارد. طبق گفته پوگر، این ترجمه ها هنوز در میان دست نوشته های هایدگر یافت شده اند.

در این باره تفسیر ذیل از چوگنگ - پوان، شایسته توجهی خاص است: «هایدگر، تنها فیلسوف غربی است که اندیشه تائویی را به نحو کفایت غافلانه در کتک کرد بلکه آن را به صورتی شهودی به فهم در آورد». حتی اگر در این انتظار نظر چوگنگ تردید داشته باشیم (سخنی که به سستی قابلیت پذیرش برهانی حقیقی را دارد) این واقعیت باقی می ماند که مسأله تائوئی را نمی توان به سادگی کنار گذاشت. در واقع، ضرورتاً تحریف در باره این امر، پیش از پیش خود را نشان می دهد. به هر حال هایدگر، به نظر پوگر و حتی نه کو، در میزان این تأثیر نمی کند. آنچه اگر چه هیچ یک از ایشان تاکنون گواهی قطعی از این تأثیر به حسمت ندادند. پوگر در مقاله خود با عنوان «هایدگر غرب - شرقی»، با رجوعی مقدماتی به پشت هایدگر و فیشر - هاینیکول به بررسی حدود نسبت میان تفکر هایدگر با اندیشه آسیای شرقی می پردازد و سپس به طور جزئی و تفصیلی درباره همسویی های مشهور میان اندیشه آسیای شرقی (تائوئیسم و فن بودیسم) و اندیشه آخر هایدگر به بحث می پردازد. او به این نتیجه می رسد که هایدگر در مقام تلفیق تفکرش های سنت آسیای شرقی با تلاش های فکری خودش بود و از این طریق در صدد بود سحر کنی قلیع برای «پوگر شرقی» غرب فراهم آورد و بیان پوگر، هایدگر فراتر از آغاز کرد دستش در حالی که پوگر، ظاهر را به تائویی خاص و مبهم در هایدگر از اذهان می کشد. پوگر با توجه به این پرسش محافظت بر مغرب می رسد. مسأله تأثیر اندیشه شرقی بر کار هایدگر، اگر چه جنبه فلسفه است اما در مقایسه با تجسس مستقل ایده ها از اضمحلت تائویی بر خورد است. وی ترجیح می دهد از همانگی پیشین «نیاید» تفکر هایدگر با تائوئیسم سخن گفته و بر اهمیت فقهی او، صحت پوگر در مقاله مهمی با عنوان «املائی تائویی» در باره وجود و زمان از طریق لاتو - چوانگ (مقاله ای که عیفا شاعرانه است) با موفقیت، حضور برخی ایده های تائویی را به ویژه در وجود و زمان، نشان می دهد. او این عقیده است که وجود و زمان، بر آمده از دورهای پیش از مواجهه هایدگر با فلسفه چینی است. اما هنگامی که او در جایی به مسأله تأثیر بلز می گردد برهانی نسبتاً دقیق درباره نوعی تأثیر فلسفه چینی و ژاپنی بر آثار متأخر هایدگر القام می کند. با توجه به روش پژوهشی هایدگر و گرایش معمول او به امر شاعرانه او تصدیق می کند که در این مورد مطمئناً هایدگر تحت تأثیر مطالعات خود در باره زبان چینی

مسأله تأثیر اندیشه شرقی بر کار هایدگر، اگر چه جذاب است، اما در مقایسه با تجانس مستقل ایده ها از اهمیت ثانوی برخوردار است

بوده است. این امر نیز مسلم است که او سال های متعددی با فلسفه ژاپنی بر خورد داشت و به طور کلی به قدری که ژاپن علاقه مند بود و در عین حال احتمالاً پایدهای «هوگن» ناهنجاری آشنایی داشته است.

۲-۲- همان طور که می بینیم، با افزایش این اشارات و نشانه ها، مسأله تأثیر پذیری، قوت بیشتری می یابد. این پرسش به وضوح از جهت گوناگون، پرسشی بیگانه مسأله ای که دیگر نمی توان از آن چشم پوشی کرد. اهمیت آن مسأله را با توجه به این که نتایج بسیاری در تفسیر آرای هایدگر به دنبال دارد هنوز نمی توان به طور کامل از برای کرد اما باید پذیرفت که در صورت نظر از پوگر شاکر دین هایدگر این موضوع را جدی نگر فتند و اگر چه پس از آنکه گزارش هایدگر برای نخستین بار منتشر شد، دلایل کافی برای این موضوع وجود داشته است تاکنون نفی کرده اند تا این موضوع مطرح نشود ممکن است گفته خود هایدگر، پیش از هر چیز، سستی محکم در برابر توجه به این موضوع ساخته و از این رو ملایم سطح اختلافات میان این آن شده باشد. هایدگر جملات صریح ذیل را در گفتگوهای مشهور خود با «تیبیکل» بیان داشته است: «چه باور من، باز گشت تنها از همان بخشی از عالم که عالم تکنیکی محرن هر آن ریشه دارد، می تواند خود را مهیا کند و این کار به واسطه اختیار کردن شی بودیسم یا تحریک شرقی دیگری از عالم امکان پذیر نیست. باز اندیشی، نیازمند بازی سنتز و پایی و تقاضای دوباره آن است. تفکر، تنها به واسطه اندیشه ای که همان اصل و تدبیر (Bestimmung) را دارد، تدبیر شکل می یابد.

اکنون به نظر می رسد که مسأله تأثیر پذیری، بر وجه باشد اما شاید منطقی تر آن باشد که به همسویی های میانارنه صرفاً اتفاقی اهتمام ویژه و بر وفق تفکر هایدگر بر آنها تأکید کنیم. این کار به ما اجازه می دهد، هر جا که قابل اخلاق باشد بر اهمیت چهارم جدول تفکر او صحت بکنیم. اما اگر او خود بر شی از ایده های شرقی را به طور ساختاری در تفکرش وارد کرده است، چرا باید تفکر شرقی از عالم را به سادگی کنار بگذاریم؟ چنین است که مسأله تأثیر غیر قابل فهم شده و باعث شکلات قابل ملاحظه ای روی هم می شود. چنانچه تفکر هایدگر، در متونی که تاکنون از وی منتشر شده است، جایگاه مستحکم به این واقعیت که او تأثیر مهم و اهلای مستمر از تفکر آسیای شرقی حاصل کرده باشد یا دست کم دل بر این باشد که او اصولاً چیز یا ارزشی در اینجا یافته است، وجود ندارد. صرف نظر از آثارش، دست کم به فیشر - هاینیکول گفته است که اگر چه او از همان آغاز با ژاپنی ها کار کرده است اما از چینی هایدگر بیشتر آموخته است.

۲-۲- با توجه به آنچه تاکنون در این مقاله، چهار نکته ای که در پی می آید معطالی را در رابطه با، مسأله تأثیر پذیری بیان می دارد نخست: علاقه محرز هایدگر به ایده های تائویی در لاتونسه و ژوگنگی به ویژه در صفحه ۱۰۰، و همسخنان شبیه بسیاری که درباره موضوعات مربوط به آسیای شرقی داشته است، دوم همگاری با هایدگر، درخواست و پیگیری نو برای ترجمه لاتونسه به زبان آلمانی، و آشنایی با ارزشی که از طریق این پروژه با تفکر آسیای شرقی به دست آوردیم. سوم همسویی های بسیاری که بین به ویژه آثار متأخر او با تفکر آسیای شرقی تشخیص داده شده است و چهارم ترجمه و تفسیر های خاص یا باز نگارش های شاعرانه ای که از کتبش از فصل پنزدهم لاتونسه انجام داده است. تحت این شرایط نمی توان این امکان را استفی دانست که هایدگر با قصد و غرض ایده های آسیای شرقی را به طریقی و مزگونی بر کارش وارد کرده است.

۳- ترجمه تسید مجید کمالی منبع این مقاله ترجمه فصل نخست از کتاب هر چشمه های پنهان تفکر هایدگر، ص ۸۰ به زودی توسط انتشارات تهران منتشر خواهد شد.

Heidegger's hidden sources, Reinhard May, Tr. Graham Parkes, Routledge, 1996, P. 1-10

